

حرف درشت

متن کامل بازجویی سلین دیون

• **پوریا عالمی:** دیروز شایعه قتل محمودرضا خاوری، مدیرعامل سابق بانک ملی ایران، در کانادا منتشر شد. بعد از اعلام این خبر، همه نگاه‌ها به سمت همسایه خاوری، سلین دیون، به‌عنوان مظنون درجه‌یک معطوف شد. به همین مناسبت، متن ناقص بازجویی پلیس بین‌الملل، اینترپل، از خانم سلین دیون برای اولین‌بار در روزنامه «شرق» منتشر می‌شود. اینترپل: خودتان را معرفی کنید خانم. سلین دیون: من سلین ماری کلودت دیون هستم که توی خونه صدام می‌زنند سلین. ۵۰ سالم هست. اینترپل: نسبت شما با محمودرضا خاوری چیست؟ سلین دیون: هیچی به جان بچم، فقط همسایه‌مان شد. اینترپل: حالا هرچی. به‌رحال دست شما رو شده. چرا محمودرضا خاوری را کشتید؟ و هیکل آن مرحوم را کجا قایم کردید؟ سلین دیون: کی گفته من کشتمش؟ اینترپل: شما ما را هم کشتید. سلین دیون: دروغ محضه. این محمودرضا بود که همه را جان‌هلب کرده بود. آمده بود یک دستگاه خودپرداز ATM بانک ملی گذاشته بود جلوی در ما، بعد به همه همسایه‌ها می‌گفت از این پول بردارید. توش پر اسکناس پنج‌هزار تومنی تانخورده‌س. همسایه‌ها می‌گفتن ما آخه ریال لازم نداریم و دلار کانادایی خرج می‌کنیم، من ریال ریال روی هم جمع کردم اومدم نصف کانادارو خریدم. دلار کانادایی‌که ارزش نداره. اینترپل: از رابطه‌تان با مرحوم خاوری بگویید. سلین دیون: ما رابطه‌ای نداشتیم. پشت‌سر خاوری خیلی حرف‌وحديث بود، ولی خودش را می‌دیدید باورتان نمی‌شد این فرد کلاهبردار به آن خفنی باشه و سه هزار میلیارد تومن تهایی بالا کشیده باشه. اینترپل: دلیل شک شما به خاوری چه بود؟ سلین دیون: آخه خیلی کنس و گدا بود. فکر کن تو سه هزار میلیارد تومن خورده باشی، بعد بیای کانادا بری تو کار بساز- بفروشی؟ من که میکم خاوری رو دشمنان کانادا فرستادن. من یک‌بار داشتم با شوهرم - رنه آنژلیل - برنامه ۳۰:۲۰ را نگاه می‌کردیم که دیدیم توی ایران اگر کسی پنج هزار تومان جیب کسی را بزند، آفتابه می‌اندازند گردنش. بعد این خاوری نه‌تنها آفتابه گردنش نبود، بلکه مدام مدیر نمونه هم گردنش بود. اینترپل: پس شما به دلیل انگیزه‌های مردم‌دوستانه دست به این جنایت زدید؟ سلین دیون: شما الکی میگی اینترپلی؟ چون همه‌ش داری حرف خودت‌رو می‌زنی و اصلا گوش نمی‌کنی من چی میگم. اینترپل: پس شما قبول کردی و اعتراف می‌کنی که خاوری بازبچه دست شما بود و شما پول ملت ایران را خوردی و خاوری را گول زدی؟ آیا اعتراف می‌کنی؟

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۱۹ آذر ۱۳۹۶ • ۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۳۹ • ۱۰ دسامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۳۰ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۷ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۳۴ • طلوع آفتاب ۷:۰۴

روزنامه‌فرا

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی

سندرز ترامپ را به استعفا دعوت کرد



سلام به فردا

ارتباط طبیعی گسترش فساد با فردگرایی

خود الگوی برای دیگران می‌شود و به‌نظر می‌رسد که قوانین و مقررات را باید کنار گذاشت و هرکس باید درگیر منافع شخصی خود شود. چنین وضعیتی در جامعه‌ای که نهادها در آن فاقد کارایی لازم باشند، به شکلی گسترده دیده می‌شود و به‌نظر من زمینه بروز فساد در جامعه از همین‌جاست. امروز به نظر می‌رسد برخی از دست‌اندرکاران جامعه، مدیران کشور و مسئولان خیلی به نهادپذیری یا گروه‌بندی یا تحزب یا فرایندهای دیگری که افراد را از سطوح خرد تا سطوح کلان به جامعه وصل‌کند، علاقه ندارند و از آن پرهیز می‌کنند. نوعی نگرانی از این وجود دارد که افسرد در نهادهایی، در احزابی، در گروه‌هایی و در صنفی با هم باشند، برای اینکه احساس نوعی نگرانی می‌کنند که اینها ممکن است ساز متفاوتی بزنند و در نتیجه راضی می‌شوند که مردم حداکثر در گروه کوچکی به نام خانواده عضویت داشته باشند. بنابراین تلاش می‌کنند که نهاد خانواده را تقویت کنند. عضویت فرد در خانواده، و توجه بیش از حد به آن به جایی می‌رسد که فرد برای خانواده‌اش تمام همیت خود را به کار بگیرد. این فرد با چنین رویکردی درواقع تمام عرصه‌های دیگر پیوند با جامعه را از دست می‌دهد و تنها به خانواده و منافع خانوادگی یا منافع کاملاً شخصی خود می‌اندیشد. در چنین شرایطی گسترش فساد امری طبیعی است.

فردگرایی افراطی حاکم می‌شود و هرچه این کسبختگی و بی‌پیوندی میان افراد بیشتر باشد، به همان میزان، فردگرایی افراطی‌تر و قوی‌تر و محکم‌تر می‌شود. در جامعه‌ای که این هم‌پیوندی و انسجام و عضویت افراد در نهادها و گروه‌های اجتماعی را داریم، منافع جمعی مقدم بر منفعت فردی می‌شود و افراد احساس می‌کنند که از گذر تعامل، همکاری، مشارکت و هم‌پیوندی با دیگران بهتر می‌توانند نیازهایی خود را برطرف کنند؛ بنابراین به جامعه احساس پایبندی می‌کنند و قوانین، مقررات یا سنن آن جامعه را رعایت می‌کنند و از آن طریق مسائل فردی آنها نیز حل می‌شود. ولی وقتی در جامعه‌ای حوزه مشارکت، تعاملات و ارتباط به حداقل برسد و افراد احساس عضویت در آن جامعه و نهادهایشان را نداشته باشند، علما نیازهایی فردی بر سر جای خود هستند. افراد احساس می‌کنند در چنین شرایطی نمی‌توانند از طریق رعایت قوانین، سنن، عرف و آداب و رسوم به نیازهایی خود برسند. مثالی ساده در این مورد این است که در پرسه‌ای با اتوبیبل در شهر می‌توانید ببینید افرادی که می‌خواهند قوانین و مقررات را رعایت کنند، دیرتر به مقصد می‌رسند؛ یعنی کسی که مقررات را زیر پا می‌گذارد، فاصله را رعایت نمی‌کند یا هر کاری را که دلش می‌خواهد در ترافیک انجام می‌دهد، زودتر به مقصد می‌رسد. این به‌نوبه

سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های آن، قطعاً در قوام، دوام و سلامت جامعه مؤثرند. این روزها در هر زمینه‌ای بحث اعتماد و سرمایه اجتماعی به کار گرفته می‌شود. در مقوله فساد و گستردگی آن نیز روند خاصی را مشاهده می‌کنیم که بی‌ارتباط با بحث اعتماد نیست. وقتی جامعه، سالم و درست محسوب می‌شود که در آن مجموعه‌ای از گروه‌ها و نهادهای اجتماعی باشند و این گروه‌ها و نهادهای اجتماعی از عرصه‌های کوچک تا بزرگ جریان داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که گسستی در هیچ‌جای جامعه نتوانید ببینید. این مورد را به‌ویژه در اجتماعات کوچک یا در اجتماعات گذشته که در حد قوم و طایفه بودند، می‌دیدیم، اما امروز به دلایلی بسیاری از حوزه‌های پیشین رنگ باخته و مؤلفه‌هایی که بتوانند حلقه وصل و اتصال افراد به یکدیگر باشد، کسبخته شده است. در نتیجه، وقتی افراد در چنین جامعه‌ای زندگی می‌کنند؛ جامعه‌ای که فاقد انسجام اجتماعی است و افراد در آن احساس هم‌پیوندی با دیگران نمی‌کنند، نوعی روحیه

پرنده آبی

زن بازوبریده تایم، نماینده صداهای خاموش

بایستند و واقعیت‌ها را بیان کنند. فرقی ندارد که زنی هم چون ایزابل پاسکال، یک کارگر ۴۲ساله مرزعه در مکزیک باشد تا دختر سیاه‌پوستی در گوشه دیگر جهان یا دختری در یکی از شهرهای کوچک. شرایط به‌گونه‌ای است که حتی مردان و زنان قدرتمند را وادار به سکوت کرده است. هنگامی که داماد سابق پادشاه نروژ لب به اعتراف می‌گشاید یا هنگامی که زنان و مردان قدرتمند سرانجام از این سوءاستفاده‌ها پرده برمی‌دارند، سؤالی مطرح می‌شود: این سؤال که آنان که قدرت داشتند، از چه ترسیدند؟ و جوابی می‌تواند بازتاب شرایط و توصیف جامعه باشد و دلیلی برای آنکه بسیاری هنوز ساکت هستند. این‌چنین است که زن بازوبریده و حذف‌شده عکس روی جلد تایم بیش از هرکسی شخصیت سال ۲۰۱۷ و شاید سال‌های بعد باشد.

و خانواده‌اش دچار مشکل شود. او کارگر بیمارستانی است در میانه آمریکا که این جملات را به تایم گفته است: جملاتی که بسیاری از زنان با آن آشنا هستند. آنان به‌خاطر همین فکرها است که نتوانسته‌اند با خود کنار بیایند و بارها از خود پرسیده‌اند «من چه‌کار کردم، چه گفتم و چگونه رفتار کردم که او به خودش چنین اجازه‌ای داد؟». این‌چنین است که کاربران شبکه‌های اجتماعی با او بیشتر از هرکسی می‌توانند همذات‌پنداری کنند. میلیون‌ها نفری که هنوز نتوانسته‌اند از هشتک Metoo # (من نیز) استفاده کنند. زنانی که با وجود زندگی در قرن ۲۱ و بسیاری از پیشرفت‌ها ناگزیر از پذیرفتن مسائل و تفاوت‌های جنسیتی هستند. بسیاری از زنان نظیر این زن بازوبریده هنوز باید مسیری طولانی را طی کنند تا بتوانند در برابر جامعه که آنان را به بی‌آبرویی متهم می‌کند،

هلیا آبادی؛ در گوشه عکس روی جلد تایم که شخصیت سال را انتخاب کرده است، آرنجی قرار دارد. گویی که عکس به صورت نامناسبی برش خورده است، اما این‌طور نیست. عکس سال تایم که شاید آخرین روزهای مستقل‌بودن خود را پشت‌سر می‌گذارد، پنج زنی را که با سخنان خود ماجرای خشونت‌های جنسی را برملا کردند به تصویر کشیده است؛ اعتراضی بزرگ که به استعفاي چند نماینده مجلس آمریکا و انگلیس، اخراج چند مدیرعامل شرکت‌های مهم جهان و نوشتن منشور اخلاقی در اسکار و هالیوود منجر شده است. اما این آرنج از آن کیست؟ تایم دراین‌باره پاسخ داده است؛ دست ناشناس از آن زنی است که هنوز آن‌قدر احساس امنیت نمی‌کند که بتواند اعتراضش را بیان کند. او هنوز می‌ترسد نکند این اعتراض سبب شود، موقعیت خودش



پولتان را به باد قاپاچالدهید

قاپاق معامله دوسر ضرر

محصولات ال جی را فقط با ضمانت گلدیران بخواهید



مرکز ارتباط مشتریان (۲۴ ساعته بدون تعطیلی) ۸۴۷۳۳۷-۰۲۱

اصل بودن

تقلبی بودن

پوشش کامل قطعات

سالم بودن محصول

گسترده‌گی دفاتر خدمات

سرعت تعمیرات بالا و تعمیرات تخصصی و حرفه ای

امکان عودت محصول خریداری شده

برخورد مناسب با مشتری

شرکت در جشنواره ها و قرعه کشی های متنوع

گلدیران، سرآمد در ارائه خدمات

نصب رایگان کالا و ارائه‌ی خدمات متمایز



www.lg.com/ir
www.goldiran.ir

